



واکاوی مقوله آگاهی‌بخشی در نامه‌های امام علی(ع) به مردم بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی

زینب نریمانی^۱، علی‌باقر طاهری‌نیا^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۵
(از ص ۸۹ تا ۱۰۷)

چکیده

آگاهی‌بخشی به‌عنوان یکی از کارکردهای مهم و اساسی رسانه‌ها، از جمله روش‌های تربیتی اسلام برای تحقق عدالت اجتماعی است که تبیین آن با استفاده از روش‌های متن‌کاوی علمی و بر اساس اسناد معتبری چون مکاتبات امام علی(ع) می‌تواند راهگشای فهم عمیق در آن باشد. مقاله حاضر با روش تحلیل محتوای کیفی با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA به تحلیل و واکاوی مقوله آگاهی‌بخشی پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که با توجه به بسامد بالای مضامین در مقوله آگاهی‌بخشی در مقایسه با دیگر مقوله‌های مطرح در نامه‌های امام به مردم، حضرت در میان روش‌های تربیتی برای تحقق عدالت اجتماعی بالاترین میزان توجه را به روش آگاهی‌بخشی داشته‌اند. مقوله آگاهی‌بخشی در این نامه‌ها شامل سه زیرمقوله است که این زیرمقوله‌ها عبارتند از: روشنگری در خصوص ولایت و امامت، افشاگری سیاسی در خصوص مخالفان و دشمنان و تبیین سبک زندگی پرهیزگاران. با توجه به اختصاص ۸۷٫۷۷ درصد از مضامین به دو زیرمقوله روشنگری و افشاگری سیاسی می‌توان به این نکته دست یافت که اولویت حضرت در آگاهی‌بخشی به مردم، اعتلای بینش سیاسی آنان بوده است. بررسی کاربرد عبارات در هر بافت، بسامد مضامین، تشبیه‌ها و استعاره‌ها، قیود تأکیدی، اطناب و ایجاز و... لایه‌های پنهان معنایی هر بافت از کلام حضرت را بیشتر آشکار نموده است و بدین ترتیب با تمرکز بر لایه‌های پنهان معنایی، اولویت‌ها و تاکتیک‌های حضرت در آگاهی‌بخشی به مردم و موضع‌گیری‌های ایشان در خصوص وقایع بیشتر نمایان گردیده است.

کلید واژه‌ها: آگاهی‌بخشی، نامه‌های امام علی(ع)، تحلیل محتوای کیفی، نهج البلاغه.

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۲. استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول

۱. مقدمه

در نظام اسلامى يكى از روش‌هاى مهم تربيتى، آگاهى‌بخشى و بصيرت‌دهى به همه گروه‌هاى مردم است. حذف دو خط اول بدون ترديد رسانه‌هاى گروهى از ابزار و عوامل آگاهى‌بخشى و فرهنگ‌سازى محسوب مى‌شوند. امام على(ع) كه در راه صيانت از دين اسلام و هدايت جامعه از هيچ كوششى فروگذار نموده است، در راستاى افزايش سطح آگاهى در جامعه روش‌ها و شگردهاى گوناگونى را به كار گرفته است و در اين راستا از «نامه» كه يكى از مهم‌ترين رسانه‌هاى عصر ايشان به‌شمار مى‌رود، بهره برده‌اند.

۱-۱. بيان مسأله

حكومت قريب به پنج ساله امام على(ع) نمونه‌اى برجسته از نظام سياسى اسلام و شيوه زمامدارى مبتنى بر دين، عدالت و آزادى را به بشریت ارائه داد كه مى‌توان با بازكاوى روشمند و علمى آن، رهيافت‌هاى مطلوب براى مديريت جامعه در دنياى كنونى به دست آورد. در آن زمان نامه‌ها يكى از مهم‌ترين رسانه‌هاى عصر بود. نامه‌هاى امام على(ع) در كتب معتبرى چون نهج‌البلاغه، نهج‌السعاده فى مستدرک نهج‌البلاغه، انساب الاشراف، الفتوح و منابع ديگر گردآورى شده‌اند. اين نامه‌ها بعد از اعتباريابى كه بر اساس صحت سند و قدمت آن و كثرت عبارت در منابع متعدد و در نهايت تأكيد شارحان و مستندنويسان نهج‌البلاغه انجام شده است به‌عنوان داده‌هاى اين پژوهش گردآورى و تقسيم‌بندى شده‌اند.

پرواضح است كه تحليل محتوايى اين نامه‌ها وقتى، مبتنى بر روش تحقيق و متن كاوى روشمند باشد، مى‌تواند نتايج قابل‌اعتماد و پژوهشگرانه به‌دست دهد. روش تحليل محتواى كیفى، روش تحقيقى روشمند و قابل‌اعتماد است كه نگارندگان در اين پژوهش با استفاده از نرم‌افزار تحليل مضمون (MAXQDA) و با كمى‌سازى مضامين، فراوانى مقوله‌هاى مختلف در نامه‌هاى امام را بررسى و با تحليل دقيق مقوله آگاهى‌بخشى و زيرمقوله‌هاى آن به كشف معناى پنهان نامه‌هاى امام(ع) و مضامين ويژه و موردتوجه ايشان پرداخته‌اند. پژوهش حاضر بر آن است كه به سؤال‌هاى زير پاسخ دهد:

- ۱- جايگاه آگاهى‌بخشى و اهميت آن در نامه‌هاى امام على(ع) به مردم به چه ميزان است؟
- ۲- در مقوله آگاهى‌بخشى چه مضامين و محتوايى موردتوجه امام على(ع) بوده و کاربرد اين مضامين در هر بافت خاص چگونه است؟

۱-۲. پيشينه پژوهش

از كتاب‌هاى كه در زمينه آگاهى و آگاهى‌بخشى به نگارش درآمده‌اند، مى‌توان به كتاب «مرزهاى آگاهى» از ارنست پوپل^۱ از انتشارات آگاه در سال ۱۳۸۴ و كتاب «ناخشنودى آگاهى در فلسفه هگل» از ژان اندره وال^۲ اشاره كرد. از آثار نويسندگان داخل كشور، كتاب «روشنگرى دينى» از سيد مصطفى محقق داماد را مى‌توان نام برد. در منابعى كه از مباحث كلام امام على(ع) برگرفته شده است، پژوهش قابل‌ذكري براى

1. Ernst poppel

2. Jean andre wahl

آگاهی بخشی وجود ندارد. تنها بعضی از منابع گذرا و بدون تحلیل به این موضوع پرداخته‌اند، برای نمونه کتاب «حکمت اصول سیاسی اسلام» از علامه محمدتقی جعفری و یا «فرهنگ آفتاب» از عبدالمجید معادینخواه. در میان مقاله‌های علمی پژوهشی مقاله «رسانه و آگاهی بخشی با الهام از نهج البلاغه» از محمد منصورنژاد را می‌توان نام برد که با بهره‌گیری از الگوی رسانه‌ای لاسول^۱ سیری در نهج البلاغه داشته و آگاهی بخشی رسانه‌ای در نهج البلاغه را با توجه به این الگو بررسی نموده است. بنابراین براساس جستجوهای انجام شده، پژوهش قابل‌ذکری که با روش تحلیل محتوای کیفی به بررسی این موضوع پرداخته باشد، وجود ندارد.

۱-۳. ضرورت پژوهش

گرچه بسیاری از پژوهشگران حوزه مطالعات اسلام کو شیده‌اند، به باز شناسی موضوع آگاهی بخشی در اسلام پرداخته‌اند، لیکن آنچه تاکنون مطرح شده است، بیشتر تبیین این موضوع بدون استفاده از روش‌های متن‌کاوی علمی و براساس اسناد معتبری چون مکاتبات حضرت بوده است. به نظر می‌رسد آنچه امروزه می‌تواند راهگشای فهم عمیق در این موضوع باشد تبیین این موضوع از دیدگاه و مبانی نظری آن حضرت و از خلال کلام ایشان است.

۲. بحث

۲-۱. ادبیات و مبانی نظری تحقیق (تعریف مفاهیم)

۲-۱-۱. مقوله

مقوله یکی از اصطلاحات روش تحلیل محتوای کیفی است. در این روش بعد از تعیین جامعه آماری، نمونه‌گیری، آماده‌سازی اسناد، اعتباریابی آن‌ها و تعیین واحد تحلیل به کدگذاری پرداخته می‌شود. «مقوله‌بندی داده‌ها حاصل کدگذاری^۲ است؛ کدگذاری به معنای طبقه‌بندی واحدهای معنی‌دار متن است و به دو شکل اولیه و استنباطی صورت می‌گیرد» (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۹۲: ۹۴). «مقوله‌بندی در واقع طبقه‌بندی مفاهیم است وقتی مفاهیم با یکدیگر مقایسه شوند و به نظر رسند که به پدیده‌های مشابه مربوطند، مقولات کشف می‌شوند و بدین ترتیب مفاهیم در نظامی بالاتر دسته‌بندی می‌شوند» (اشتراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۶۱).

۲-۱-۲. آگاهی بخشی

برای رسیدن به تعریف مفهوم آگاهی بخشی، ابتدا لازم است تعریفی از مفهوم آگاهی ذکر شود. ویلیام جیمز درباره آگاهی می‌گوید: «آگاهی درجه‌های مختلفی دارد و افزون بر توانایی ارزیابی دریافت‌های حسی و حفظ خاطره‌ها، به توانایی بروز واکنش انتقادی به کمک اندیشه نیز مربوط می‌شود» (تورن، ۱۳۷۳: ۱۶).

1. lasswell

2. open coding

«غایت آگاهی‌بخشی، نورانیت درون، روشنگری و تحلیل موضوع است. در نهایت، نزدیک‌ترین مفهوم اسلامی که بار معنایی آگاهی‌بخشی را با خود دارد مفهوم بصیرت است؛ در صورت تحقق بصیرت، آگاهی‌بخشی تحقق می‌یابد» (منصورنژاد، ۱۳۹۰: ۱۰۶). بصیرت با مفهوم عمیق آن در دیدگاه امام علی (ع) جایگاهی رفیع دارد. در کلام ایشان در اهمیت بصیرت و آگاهی آمده است: «فَقَدْ الْبَصِرِ أَهْوُنُ مِنْ فَقْدِ الْبَصِيرَةِ» تحمل فقدان بصر و بینایی آسان‌تر از فقدان بصیرت است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۴).

آگاهی‌بخشی یکی از روش‌های اسلام در تحقق عدالت اجتماعی است. روش‌های اسلام در تحقق عدالت اجتماعی با توجه به ناظر بودن آن‌ها به ابعاد سه‌گانه اعمال انسان که شناخت، انگیزه و رفتار است، به سه بخش کلی تقسیم می‌شود؛ روش‌های ناظر به ایجاد یا تقویت شناخت که عبارتند از: روش‌های آگاهی‌بخشی، موعظه و نصیحت و...؛ روش‌های ناظر به ایجاد یا تقویت انگیزه یعنی روش‌های تشویق و تنبیه، تمجید و... روش‌های ناظر به رفتار که امر به معروف و نهی از منکر و نیایش هستند (یوسف‌زاده وفایی و رهنمایی، ۱۳۹۴: ۷۷).

۲-۲. روش تحقیق (روش تحلیل محتوای کیفی)

«تحلیل محتوای کیفی یکی از چندین روش پژوهشی است که برای تحلیل داده‌های متنی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دیگر روش‌ها شامل قوم‌نگاری، نظریه پایه، پدیده‌شناسی و پژوهش تاریخی است. پژوهشی که از تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌کند روی مشخصات زبان به‌عنوان وسیله ارتباطی با توجه به محتوا یا معنای زمینه‌ای متن تمرکز دارد» (مهرداد و اسکویی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۳). هسیه^۱ و شانون^۲ تحلیل محتوای کیفی را به‌عنوان یک روش پژوهش برای تفسیر ذهنی داده‌های متنی از طریق فرایند منظم کدگذاری و تعریف مضامین^۳ یا الگوهای متن^۴ می‌دانند. آن‌ها در مقاله^۵ «سه رویکرد به تحلیل محتوای کیفی»، سه روش مجزا برای تحلیل محتوای کیفی ارائه نموده‌اند: روش مرسوم، مستقیم (هدایت شده) و تلخیصی. هر سه روش برای تفسیر داده‌های متنی از یک چهارچوب عمدتاً طبیعی استفاده می‌کنند (Hsieh and Shannon, 2005: 1278). با توجه به این‌که در پژوهش حاضر از رویکرد تلخیصی تحلیل محتوای کیفی استفاده شده، در ادامه به توضیح آن پرداخته شده است.

در این روش همانند تحلیل محتوای کمی، محقق به شمارش کلمات، جمله‌ها و مفاهیم می‌پردازد، اما فرایند تحقیق در اینجا متوقف نشده و به‌جای تمرکز بر فراوانی داده‌ها و ارائه تحلیل‌های آماری از آن‌ها، محقق توجه خود را به استفاده از کلمات در هر بافت خاص معطوف می‌کند. دنبال کردن این هدف، موجب می‌شود که همانند سایر تحقیقات کیفی، داده‌ها در بستر ظهورشان و در رابطه با سایر عوامل اثرگذار درک شوند. با تمرکز بر محتوای پنهان در تحلیل محتوای تجمعی، یافته‌های حاصل از شمارش داده‌ها با در نظر گرفتن عوامل گوناگونی تعدیل می‌شوند، از جمله اینکه چه معانی آشکار و پنهانی در استفاده از هر لغت یا

1. Hsieh, H, f

2 Shannon, s. E

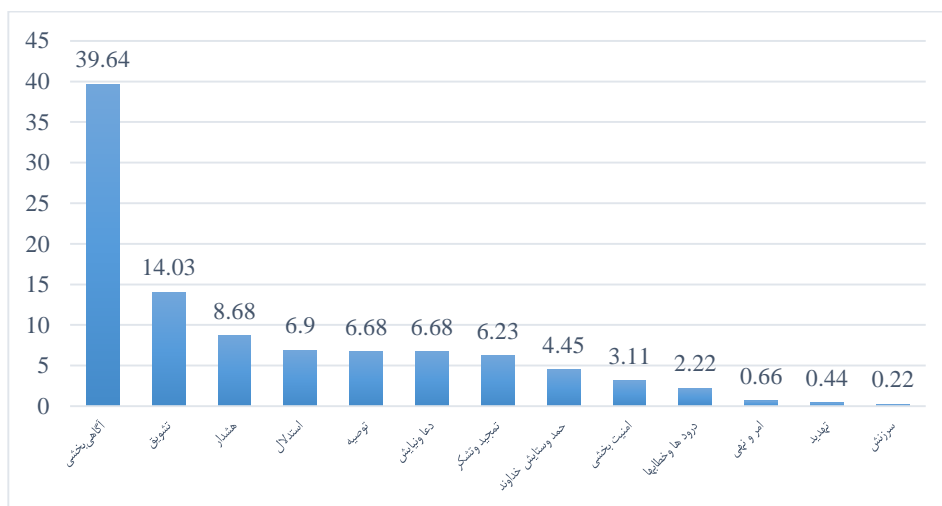
3. themes

4. extual models

مفهوم خاص، مدنظر است؟ هریک از لغات و مفاهیم در چه شرایطی به کار برده شده یا نشده‌اند؟ چنین رهیافت تلفیقی که داده‌ها را شمارش می‌کند و نتایج حاصل از آن را با توجه به مقتضیات تحقیق مورد تفسیر قرار می‌دهد، به دنبال بهره بردن همزمان از مزایای تحقیق کمی و کیفی است (تبریزی، ۱۳۹۱: ۱۳۳).

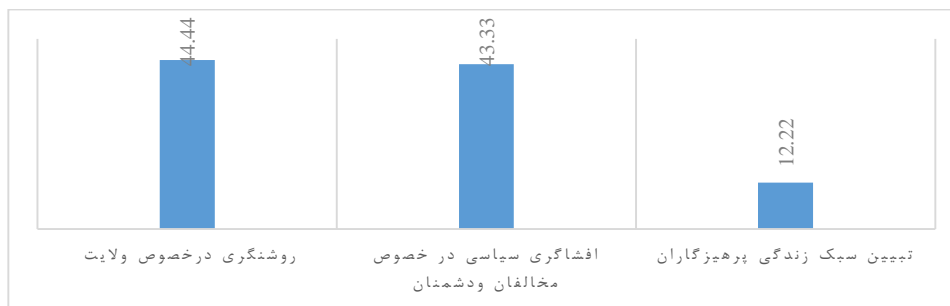
۲-۳. مقوله آگاهی بخشی در نامه‌های امام علی(ع) به مردم

با مقایسه درصد فراوانی مقوله‌های مطرح در نامه‌های امام علی(ع) به مردم، که حاصل کدگذاری در نرم‌افزار MAXQDA و تقسیم‌بندی کدها براساس اشتراکات است، می‌توان به این نتیجه دست یافت که آگاهی بخشی بالاترین فراوانی مضمون را در میان مقولات به خود اختصاص داده است و امام(ع) از میان روش‌های تربیتی اسلام بیشترین میزان توجه را به این روش داشته‌اند (نریمانی و طاهری‌نیا، ۱۳۹۷: ۴۲۷).



نمودار ۱: درصد فراوانی مقوله‌های مطرح در نامه‌های امام علی(ع) به مردم

مقوله آگاهی بخشی با ۹۰ کد (مضمون)، ۳۹٫۶۴ درصد از مضامین نامه‌های امام به مردم را به خود اختصاص داده است و شامل سه زیرمقوله است که درصد فراوانی مضامین آن‌ها در نمودار زیر مشخص گردیده است.



نمودار ۲: درصد فراوانی زیرمقوله‌های مقوله آگاهی‌بخشی در نامه‌های امام علی(ع) به مردم

با تأمل در نمودار فوق می‌توان به این نکته دست یافت که اولویت حضرت در آگاهی‌بخشی به مردم، اعتلای بینش سیاسی آنان بوده است؛ چراکه ۸۷,۷۷ درصد از مضامین، در دو مقوله روشنگری و افشاگری سیاسی به کار رفته است و تنها ۱۲,۲۲ درصد از مضامین در تبیین سبک زندگی پرهیزگاران بیان شده است.

۲-۳-۱. زیر مقوله روشنگری در خصوص ولایت

زیرمقوله روشنگری در خصوص ولایت با داشتن بالاترین فراوانی مضمون اولین جایگاه را در مقوله آگاهی‌بخشی به خود اختصاص داده است. اهمیت موضوع ولایت حکومت اسلامی از یک طرف و کار شکنی‌های دشمنان و مخالفان در این زمینه از طرف دیگر موجب گردیده تا امام اولین اولویت خود در آگاهی‌بخشی به مردم را روشنگری در خصوص ولایت بدانند. «ولایت از مهم‌ترین و محوری‌ترین مسائل دینی و اعتقادی در اسلام است. راز موقعیت ویژه ولایت، نقش کلیدی و محوری امام و حجت خدا در میان مسلمانان است که راهنمای دینی، تفسیر و تبیین‌کننده احکام و هدایت‌کننده مردم به سوی رستگاری و کمال معنوی است؛ چراکه اگر جامعه بدون رهبر و امام باشد راه به جایی نخواهد برد» (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۸۸: ۱۸).

مضامین به کار رفته توسط امام در این زیرمقوله به سه بخش کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: (۱) بیان ویژگی‌ها و شرایط اولی الامر حقیقی، (۲) بیان موانع تحقق ولایت حضرت (اولی الامر حقیقی) در زمان اصلی خود و پیامدهای حاصل از آن، (۳) بیان موارد تحکیم‌بخش ولایت و حکومت.

جدول ۱: بیان ویژگی‌ها و شرایط اولی الامر حقیقی

مضمون فشرده	مضمون	شاهد	نام سند	فراوانی
انتخاب اولی الامر از سوی خداوند	بیان فلسفه دین اسلام و بعثت پیامبر(ص)	فإن الله تعالى اختارَ الإسلام ديناً لنفسه وملائكته ورسوله، إحصاءاً لصنعه وحسن تدبيره ونظراً منه لعباده وخصّ به من أحبه من خلقه	نامه ۹ نهج السعادة به مردم مدائن	۳
انتخاب خلفا توسط بعضی از مردم	انتخاب خلفا توسط بعضی از مردم و عدم رضایت آنان از خلیفه سوم	إن بعضَ المسلمین أقاموا بعده رجلین رضوا بهدیها وسیرتهما، فأقاما ماشاء الله ثم توفاهما الله عزوجل، ثم ولّوا، بعدهما الثالث فأحدثت أحداثاً،	نامه ۱ نهج البلاغه به مردم کوفه	۲
معرفی اهل بیت به عنوان اولی الامر حقیقی	بیان بیراهه رفتن مردم در امر ولایت و سنت رسول(ص) به علت عدم پذیرش ولایت اهل بیت	أما والله لئن أصبتم سنتکم لقد أخطأتم سنة نبيکم، ولو جعلتموها في أهل بيت نبيکم لاکلتم من فوقکم و من تحت أرجلکم	نامه ۱۵۶ نهج السعادة به مسلمانان	۳
هدایت‌گر بودن اولی الامر	معرفی خود به عنوان امام هدایت‌گر یا ذکر لقب «وصی» که از القاب مشهور حضرت است.	واعلموا أنه لا یستوي إمام الهدی وإمام الردی، ووصی النبی و وعدوه	نامه ۵۱ نهج السعادة به مصریان و محمدبن ابوبکر	۲

امام(ع) در ضمن عبارت «خصّ به من أحبه من خلقه» به معنای این که خداوند تبلیغ دین اسلام را به هر کس از بندگانش که بخواهد اختصاص داده است» به انتخاب اولی الامر از سوی خداوند اشاره می‌کند و در عبارات بعد به انتخاب خلفا که نه از سوی خداوند، بلکه از سوی مردم، آن هم بعضی از مردم صورت گرفته است، اشاره می‌کند. ایشان در مضامین بعد، اهل بیت را به عنوان اولی الامر حقیقی معرفی می‌کنند و به مردم گوشزد می‌کنند که با انتخاب خلفای پیشین به عنوان والی و تأخیر در ولایت حضرت در سنت رسول خدا(ص) به خطا رفته‌اند. تأمل در این بافت از کلام حضرت گویای این حقیقت است که استفاده ایشان از اسلوب قسم و اداتی مانند «إنّ، لام تأکید، قد تحقیق» که در زبان عربی جهت تقویت کلام به کار می‌رود و نشان‌دهنده شدت و تأکید است موجب شده تا سبک کلام به مبالغه گرایش یابد که این امر بیانگر موضع‌گیری شدید حضرت در برابر انحراف مردم از مسیر صحیح ولایت است. نکته قابل توجه در این قسمت تقابل و هم‌نشینی کلمات در مضمون «واعلموا أنه لا یستوي إمام الهدی وإمام الردی، ووصی النبی وعدوه» است که از آن چنین به دست می‌آید که «امام الهدی» همان «وصی النبی» است. حضرت از

میان القاب منتسب به خود، لقب «وصی النبی» را به کار گرفته اند، تا یادآور حدیث «یوم الدار»^۱ باشند. واژه «وصی» از پشتوانه‌ای قوی در ذهن مردم برخوردار است و از القابی به شمار می‌رود که در نظم و نثر آن زمان فراوان به چشم می‌خورد. ابن ابی‌الحدید در این خصوص، اشعار زیادی نقل کرده است که در آن‌ها، شعرای عصر رسالت و پس از وی، امام علی (ع) را به عنوان وصی معرفی کرده‌اند.^۲ با تأمل در مضامینی که گذشت می‌توان به این نکته دست یافت که ایشان بعد از رسیدن به حکومت و گذر از فضای بسته سیاسی پیشین، با تلاشی وافر به تبیین ولایت پرداخته‌اند تا برخی از، سکوت بیست و پنج ساله حضرت را به مثابه پذیرش خلافت خلفای سه‌گانه پیشین، در نزد حضرت نپندارند.

جدول ۲: بیان موانع تحقق ولایت حضرت (اولی الامر حقیقی) در زمان اصلی خود و پیامدهای حاصل از آن

مضمون فشرده	مضمون	شاهد	نام سند	فراوانی
بیان موانع تحقق ولایت در زمان اصلی خود	ترس بعضی از قوم از ولایت حضرت به علت بی‌بهره ماندن از مادیات	خشي القوم إن أنا وليت عليهم أن آخذ بأنفاسهم وأعرض في حلوقهم ولا يكون لهم في الأمر نصيب فأجمعوا علي إجماع رجل واحد منهم حتى صرفوا الولاية عني	نامه ۱۵۶ نسخ السعادة به مسلمانان	۷
	حرص و طمع مخالفان بر غصب خلافت	فقلت: لست عليه حرباً وإنما أطلب ميراث رسول الله (ص) وأنتم أحرص عليه مني إذ تحولون بيني وبينه، وتصرفون وجهي		
	قلت یاران حضرت برای کمک به احقاق حق ایشان	فأتاني رهط يعرضون علي النصر، منهم ابناسعید ...		
بیان پیامدهای عدم تحقق ولایت در زمان خود	پایمال شدن نعمت بعثت	فيا لها من نعمة ما أعظمها إن لم تخرجوا منها إلى غيرها ويا لها من مصيبة ما أعظمها إن لم تؤمنوا بها وترغبوا عنه		۲
	محرومیت از خیر و برکت بسیار	ولو جعلتموها في أهل بيت نبيكم لآكلتم من فوقكم و من تحت أرجلكم		۱

۱. پیامبر (ص) در سال سوم بعثت مأمور شد که دعوت مخفیانه خود را در مورد اسلام آشکار سازد. بعد از دعوت پیامبر (ص) به دین اسلام و درخواست یاری هیچ کس تمایلی به این امر نشان نداد جز علی (ع) که از همه کوچک‌تر بود. پیامبر (ص) دست برگردن علی (ع) نهاد و فرمود: «این برادر من و وصی من در میان شماست. سخنش را گوش فرادهید و فرمانش را اطاعت کنید» این حدیث به قدر کافی گویاست و از نظر سند بسیاری از دانشمندان اهل سنت همچون ابن ابی‌جریر، ابن ابی‌حاتم، ابن مردویه، ابونعیم، بیهقی، ثعلبی، طبری، ابن اثیر، ابوالفداء و گروه دیگر آن را نقل کرده‌اند (ن. ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۸۸).

۲. رک شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید: ۱/۱۴۳-۱۵۰ چاپ مصر

در این قسمت امام به بیان موانعی که موجب تأخیر در ولایت ایشان شد، می‌پردازد که عبارتند از: حرص و طمع مخالفان بر غصب خلافت و ترس آن‌ها از ولایت حضرت به علت بی‌بهره ماندن از مادیات و همچنین قلت یاران. حضرت با انتخاب واژه «رَهط» از میان واژه‌های مترادف آن که «قوم» و «نفر» هستند به قلت یاران خود اشاره نموده‌اند.^۱ از کاربرد این کلمه می‌توان به این نکته دست یافت که تنها اشخاص کمی که رابطه بسیار نزدیکی با حضرت داشتند به یاری او برخاستند که این موضوع گواه وجود انحراف عقیدتی مردم در خصوص ولایت پس از رحلت پیامبر(ص) است. حضرت در هر دو مضمونی که در بیان پیامدهای عدم تحقق ولایت در زمان خود به کاربرده‌اند، با بهره‌وری از عوامل تأکیدی به تأکید مضمون افزوده‌اند. ایشان در مضمون «فيا لها من نعمة ما أعظمها إن لم تخرجوا منها إلى غيرها، ويا لها من مصيبة ما أعظمها إن لم تؤمنوا بها وترغبوا عنه به معنای چه بزرگ نعمتی بود بعثت، اگر آن را از راه صحیح منحرف نمی‌کردند و به غیر اهلش نمی‌سپردند و چه بزرگ مصیبتی بود، اگر به آن ایمان نمی‌آوردند و از آن روی می‌گرداندند» با استفاده متوالی از چهار اسلوب تعجب «يا لها من نعمة، ما أعظمها، يالها من مصيبة، ما أعظمها» بر بزرگی نعمت بعثت در صورت عدم انحراف از راه صحیحش و بزرگی مصیبت رویگردانی از آن تأکید می‌کنند و با یکسان‌سازی سیاق بیانی این دو مضمون به زیبایی مضمون می‌افزایند. امام در مضمون «ولو جعلتموها في أهل بيت نبيكم لا كلتم من فوقكم و من تحت أرجلكم» با به‌کارگیری فعل ماضی که دلالت بر قطعیت دارد و استفاده از «لام تأکید» بر سر آن به تأکید مضمون افزوده‌اند و با بیان عبارت «خوردن از بالا و زیر پا» که در کنایه از نعمت و برکت بسیار آمده است، به مبالغه مضمون افزوده‌اند. با بررسی چگونگی کاربرد عبارات امام در این بافت می‌توان به تأسف عمیق حضرت بر انحراف ولایت از مسیر صحیح که موجب پایمال شدن نعمت بعثت و محرومیت مردم از خیر و برکت فراوان است، پی برد.

- بیان موارد تحکیم‌بخش ولایت^۲ و حکومت

بقا و دوام هر حکومت یا نظام سیاسی بستگی تام به کیفیت و میزان مشروعیت آن دارد. بنابراین همه حکومت‌ها، برای بقا و استمرار و نیز تحکیم پایه‌ها و بنیادهای حکومتی خود ناچار به بازشناسی منابع مشروعیت نظام سیاسی خویش هستند (ن.ک: حاتمی، ۱۳۸۴: ۶۸). همان‌طور که در جدول شماره سه قابل‌مشاهده است، حضرت با بازخوانی دو منبع مشروعیت ولایت و حکومت خود یعنی منبع الهی و مردمی به تحکیم پایه‌ها و بنیادهای ولایت و حکومت خود پرداخته‌اند. گفتنی است از آنجایی که یکی از عواملی که

۱. هر سه لفظ «رَهط، قوم، نفر» به معنی گروهی از مردان است که بین ۳ تا ۱۰ نفر هستند تمایز لفظ «رَهط» در این است که بر کمی تعداد و رابطه بسیار نزدیک بین افراد گروه دلالت دارد. تمایز لفظ «قوم» در این است که بر کثرت تعداد و عموم خویشاوندان دلالت دارد و تمایز لفظ «نفر» در این است که عموماً بر مردانی که به جنگ می‌روند دلالت دارد (بشری منال، ۲۰۱۶: حرف‌الراء) قابل دسترس در سایت <http://www.bayanelislam.net> آخرین بازنگری ۱۳۹۶/۱۰/۱۰.

۲. هرگاه «ولی» در ارتباط با تدبیر امور اجتماعی مطرح شود، مراد همان، زعامت و رهبری است. امامت و ولایت مُلکی به معنای سیاست امور مسلمانان و تدبیر کشورهای آنان امری است تشریحی، نه تکوینی؛ نیز اعتباری است، نه حقیقی؛ از این‌رو هم قابل جعل است و هم قابل غصب (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۱۴).

برای خدشه به ساحت ولایت ایشان از جانب دشمنان ایشان مطرح شد، اتهام قتل عثمان به ایشان بود، امام (ع) در موارد متعدد از این اتهام اعلام برائت نموده تا بدین وسیله به تحکیم ولایت خود بپردازند.

جدول ۳: بیان موارد تحکیم بخش ولایت و حکومت

مضمون فشرده	مضمون	شاهد	نام سند	فراوانی
استناد به منابع الهی مشروعیت ولایت و حکومت	عهد و وصیت پیامبر (ص) به حضرت	إن عندي من النبي صلى الله عليه وآله عهداً، وله إليّ وصية		۴
	سخن پیامبر (ص) در مورد عترت (اهل بیت) و قرآن	وترك كتاب الله وأهل بيته إمامين لا يختلفان وأخوين لا يتخاذلان ومجتمعين لا يتفرقان		
	کلام نبی (ص) مبنی بر اینکه ولایت و امامت حق حضرت است اما اگر مردم در این مسئله دچار اختلاف شدند آن‌ها را رها کند.	وقد كان رسول الله (ص) عهداً إليّ عهداً فقال: (يا بن أبي طالب لك ولأئمتي فإن ولوك في عافية وأجمعوا عليك بالرضا فقم بأمرهم، وإن اختلفوا عليك فدعهم وما هم فيه فإن الله سيجعل لك مخرجاً).		
استناد به مشروعیت مردمی حکومت و ولایت	عدم بیعت اجباری مردم	تبايعوني فأبیت عليكم وأبیتم عليّ، فقبضت يدي فبسطتموها، وبسطتها فمددتموها ثم تداكتم عليّ تذاك الأبل الهميم على حياظها... حتى ظننت أنكم قاتلي وأن بعضكم قاتل بعضي، حتى انقطعت النعل وسقط الرداء، وطئ الضعيف وبلغ من سرور الناس ببيعتهم إياي أن حمل إليها الصغير وهدج إليها الكبير وتحامل إليها العليل وحسرت لها الكعاب	نامه ۱۵۶ فتح السعادة به مسلمانان	۱۰
		بايعتم عليّ كتاب الله وسنة نبيه صلى الله عليه وآله دعوت الناس إلى بيعتي فمن بايعني طائعاً قبلت منه، ومن أبي تركته		
	تلاش سران فتنه جمل برای بیعت‌شکنی مردم و مقاومت مردم در برابر آن	وأبي أن يبايعهم يزيد بن الحارث اليشكري، فقال: (اتقيا الله،.. فلا تكلفونا أن نصدق المدعي و.. أما يميني فاشغلها عليّ بن أبي طالب بيعتي إياه وهذه شمالي فارغة فخذها إن شئتما فحقت حتى مات رحمه الله.		

		<p>وقام عبد الله بن حكيم التميمي فقال: يا طلحة هل تعرف هذا الكتاب قال: نعم هذا كتابي قال: هل تدري ما فيه اقرأه علي فاذا فيه عيب عثمان، ودعاؤه إلى قتله فسیره من البصرة</p> <p>فقام عمران بن حصين الخزاعي صاحب رسول الله (ص) وقال: يا هذان لا تخرجانا ببيعتكما من طاعة علي ولا تحملانا على نقض بيعته فإنها لله رضى.. فهما به</p>		
	<p>نامه ۱۵۶ نوح السعادة</p>	<p>فقلنا: (إذهب بنا إلى هذا الرجل فإننا لا نستطيع قتله إلا بك فقلت: كل هذا قد علمت ولا أرى قتله يومي هذا</p>	<p>جلوگیری حضرت از قتل عثمان</p>	
	<p>نامه ۱ نهج البلاغه به مردم كوفه</p>	<p>انَّ النَّاسَ طَعَنُوا عَلَيْهِ فَكَفَّتُ رِجُلًا مِّنَ الْمُهَاجِرِينَ أَكْثَرَ اسْتِعَابَهُ وَ أَقْلُ عِتَابَهُ</p> <p>وجدت الامه عليه فعلا فاتفقوا عليه ثم نعموا منه فغبروا</p>	<p>برائت از قتل عثمان</p>	<p>رفع اتهاماتی که برای ضربه به ساحت ولایت به ایشان زده می شد</p>
۶	<p>نامه ۱۵۶ نوح السعادة به مسلمانان</p>	<p>خذله أهل بدر. وقتله أهل مصر، والله ما أمرت ولا نهيت، ولو أنني أمرت كنت قاتلاً، ولو أنني نهيت كنت ناصراً، وكان الأمر لا ينفع فيه العيان، ولا يشفي..</p> <p>والله ما يلزمني في دم عثمان تهمة ما كنت إلا رجلاً من المسلمين المهاجرين في بيتي</p>		

در بررسی چگونگی کاربرد عبارات امام در این قسمت، نکته قابل توجه این است که علاوه بر اینکه فراوانی بالای مضمون را در استناد به منع مردمی مشروعیت مشاهده می کنیم، شاهد اطناب بسیار نیز در آن هستیم؛ این در حالیست که حضرت در این قسمت از هر ابزاری برای وضوح هرچه بیشتر مضامین خود استفاده نموده اند؛ برای مثال برای بیان چگونگی اشتیاق مردم برای بیعت با ایشان از تشبیه تمثیل بهره گرفته اند و در مضمون «وبسطتها فمددتموها ثم تداككتم علي تداكك الابل الهيم علي حياظها» اشتیاق مردم به بیعت را به اشتیاق شتران تشنه به آب تشبیه نموده اند و با آوردن مضمون های بعدی در وضوح هرچه بیشتر مضمون کوشیده اند. حضرت برای استحکام هرچه بیشتر ولایت خود از ادله مردم برای بیعت با حضرت بهره جسته و از زبان مردم برای مردم سخن گفته اند، به این ترتیب که موضع گیری های مردم در برابر اجبار مخالفان بر بیعت شکنی با حضرت راه بیان نموده اند که بیشترین اطناب در این مضامین به چشم می خورد. اطناب در این قسمت به حدی است که نوعی روایت داستان و گفتگو در مضامین دیده می شود. درخصوص چرایی این نوع کاربرد حضرت می توان گفت دوام و بقا هر حکومت بستگی به اراده، همکاری و

حمایت مردم دارد و در جامعه اسلامی حکومت بر پایه انتخاب و پذیرش مردم استوار است؛ بنابراین حاکم جامعه اسلامی نمی‌تواند از نقش حضور مردم در اداره جامعه غفلت ورزد (ولائی، ۱۳۷۷: ۱۴۷-۱۴۹). لازمه این حضور و تداوم آن توسعه دانش و بینش سیاسی برای گروه‌های مختلف مردم و بازشناسی منابع مردمی مشروعیت حکومت است.

۲-۳-۲. زیر مقوله افشاگری سیاسی در خصوص مخالفان و دشمنان

افشاگری، پرده‌برداری از دروغ‌ها و فریب‌های راهبردی دشمن و بیان رفتار ناپسند مخالفان است که دومین جایگاه را از حیث فراوانی مضمون در مقوله آگاهی‌بخشی به خود اختصاص داده است. مضامین به‌کاررفته توسط امام در این زیر مقوله بر اساس تعریف مذکور از افشاگری به دو بخش کلی قابل تقسیم می‌شوند که عبارتند از: (۱) مضامینی که به بیان فریب‌های راهبردی دشمن اختصاص یافته‌اند. (۲) مضامینی که در بیان رفتار ناپسند و نقاط ضعف مخالفان ذکر شده‌اند.

جدول ۴: بیان فریب‌های راهبردی مخالفان و پرده‌برداری از دروغ‌های آنان

مضمون فشرده	مضمون	شاهد	نام سند	فراوانی	
طرح شعارهای عامه‌پسند	خونخواهی عثمان بهانه طلحه و زبیر برای شکست حضرت است	وَأَمَّا قَوْلُكُمْ إِنَّمَا تَطْلُبَانِ بَدْمَ عَثْمَانَ فَهَذَا ابْنَاهُ عَمْرُو وَسَعِيدٌ فَخَلُّوا عَنْهُمَا يَطْلُبَانِ دَمَ أَبِيهِمَا	نامه ۱۵۶	نهج‌السعادة به مسلمانان	
	خونخواهی عثمان برای معاویه بهانه‌ای بیش نیست	فَبِعِثْتُ إِلَيْهِ مَا أَنْتَ وَقْتَلَةَ عَثْمَانَ، أَوْلَادُهُ أَوْلَى بِهِ،			
	توطئه قتل عثمان توسط طلحه و زبیر	فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي أَحْطَانَا فِي عَثْمَانَ خَطِيئَةٌ مَا يَخْرُجُنَا مِنْهَا إِلَّا الطَّلَبُ بَدْمِهِ،			
	ناکثین طلب خونی که خودشان ریخته‌اند را می‌کنند	ناکثین طلب خونی که خودشان ریخته‌اند را می‌کنند	وَقَامَتِ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ بِقُودِهَا يَطْلُبُونَ بَدْمَ هَمِ سَفْكَوْهُ،	نامه ۲۵	نهج‌السعادة به مردم کوفه
		ناکثین آبرویی که خود ریخته‌اند را طلب می‌کنند	وَعَرَضَ هَمِ شَمْموه، وَحَرَمَةَ انْتِهَكُوها وَهَمَا اللَّذَانِ فَعَلَا بَعَثَانِ مَا فَعَلَا وَأَبَاخُوا مَا أَبَاخُوا		
		رفتار نادرست طلحه، زبیر و عایشه با عثمان	وَكَانَ طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ أَهْوَنُ سَبْرِهِمَا فِيهِ الْوَجِيفُ وَالرُّفْقُ حِدَانِهِمَا الْعَنِيفُ وَكَانَ مِنْ عَائِشَةَ فِيهِ فَلْتَةٌ غَضَبٍ فَأَتِيحَ لَهُ قَوْمٌ فَفَقَتَلُوهُ	نامه ۱	

۸	نامه ۳۶ نهج السعاده به مردم کوفه	الناکثین لیبعتنا المفرقین لجماعتنا الباغین علینا من أمتنا فما أطاعا المرشدين، ولا أجابا الناصحین ولا ذ أهلُ البغي بعایشة	شکستن بیعت، تفرقه افکنی، ظلم به امت، عدم اطاعت از ناصحین و سوء استفاده از عایشه برای فریب مردم	استفاده ابزاری از چهره‌های شناخته شده
		مع ما جاءت به من الحوبِ الكبيرِ في معصيتها لربها ونبيها من الحرب، واغترار من اغتر بها وما صنعتها من التفرقة بين المؤمنين وسفك دماء المسلمين،	گناه بزرگ عایشه در معصیت خدا و رسولش به علت جنگ افروزی و تفرقه افکنی و ریختن خون مسلمانان	
	نامه ۱۵۶ نهج السعاده به مسلمانان	فعضت يديها نادمة على ما كان منها كانت عایشة قد شكّت في مسيرها	پشیمانی عایشه در نیمه راه با یادآوری سخن رسول(ص)	
		فأی خطیبة أعظم مما أتيا، أخرجنا زوجة رسول الله(ص) من بيتها فكشفا عنها حجاباً ستره الله عليها	اشتباه طلحه وزبیر در بیرون آوردن عایشه از خانه	
		قال الله تعالى: (يا أيها الناس إنما بعيتكم على أنفسكم وقال: ومن نكث فإنما ينكث على نفسه) وقال: (ولا يحق المكر السي إلا بأهله) فقد بغيا علي ونكثا بعيني ومكراني	سه گناه بزرگ طلحه و زبیر و عایشه: بغی و مکر و نکث	
وأعانهم علي يعلى بن منية بأصوع الدنانير	همدستی مخالفان بر علیه حضرت			
۲		ثم خاصم القوم لاحملمكم وإياهم على كتاب الله وإلا فهذه خدعة الصبي عن رضاع الملى . . وإنما أراد بذلك أن يخلع طاعتي من عنقه، فأبيت عليه	ماجرای برسر نیزه کردن قرآن، مکر و نیرنگ معاویه بود	استفاده ابزاری از مقدسات

حضرت در این بافت به بیان فریب‌های راهبردی دشمنان و مخالفان خود می‌پردازد که عبارتند از: (۱) طرح شعارهای عامه‌پسند: طرح شعار خونخواهی از قاتلان عثمان نمونه بارز این مورد است که توسط مخالفان حضرت برای ضربه به ساحت ولایت ایشان مطرح شد و امام در موارد متعدد به بهانه بودن این موضوع در دست دشمنان اشاره و خویش را از قتل عثمان تبرئه و فریب‌های راهبردی دشمن را افشا می‌کنند. (۲) استفاده ابزاری از چهره‌های شناخته شده: «آتش افروزان جنگ جمل از وجود عایشه برای تحریک مردم بهره گرفتند؛ چرا که این‌ها با امام(ع) بیعت کردند اما چون انتظارشان یعنی سهیم شدن در امر خلافت حاصل نشد به شهر بصره آمدند و آتش اختلاف را بر افروختند. در این گیر و دار راهی مکه شدند و در مکه عایشه را که از بیعت با آن حضرت ناراضی بود با خویش همراه کردند و به‌عنوان هواداری از خون عثمان

به سمت بصره حرکت نمودند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۳۷۳/۱). امام در نامه‌های خود از این موضوع پرده‌برداری و نیت شوم ناکثین را برملا می‌سازند. ۳) استفاده از ایزاری از مقدسات: نمونه بارز این مورد برسر نیزه کردن قرآن بود. معاویه قرآن را ایزاری برای رهایی از شکست قطعی و رسیدن به اهداف خود قرار داده بود. امام در موارد متعدد به این موضوع اشاره داشته‌اند و نیرنگ معاویه را برملا می‌سازند. حضرت با افشاگری خود تمام روش‌های دشمن که شامل شایعه‌سازی، برجسته‌سازی، قبح‌زدایی، ابهام‌سازی و ... است را برملا ساخته تا افکار عمومی نسبت به نظام مخدوش نشود و رکن اعتماد در سرمایه اجتماعی حفظ شود.

کارکرد صنایع ادبی از جمله تشبیه در برخی مضامین بر فحوای کلام ایشان تاثیر گذاشته است؛ برای نمونه مضمون «كَانَ طَلْحَةُ وَالزُّبَيْرُ أَهْوَنَ سَيْرِهِمَا فِيهِ الْوَجِيفُ وَ أَزْفَقُ حِدَائِهِمَا الْعَنِيفُ وَ كَانَ مِنْ عَائِشَةَ فِيهِ فُلْتَةٌ غَضَبٍ فَأَتِيحَ لَهُ قَوْمٌ فَفَتَلُوهُ»؛ «ولی طلحه و زبیر خسونت در برابر او را به آخرین حد رساندند؛ به گونه‌ای که آسان‌ترین فشاری که بر او وارد می‌کردند مانند تند راندن شتر بود و نرم‌ترین «حُدی‌ها» سخت‌ترین آن بود (آوازی که شتر را به شتاب وا می‌دارد و خسته می‌کند) و از سوی عایشه نیز خشمی ناگهانی بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸: ۲۴/۹). حضرت در این مضمون علاوه بر تشبیه که در راستای وضوح هرچه بیشتر مضمون به کار رفته است، برای مبالغه از افعال تفضیل بهره برده‌اند. آن حضرت در اثبات گمراهی اصحاب جمل به گفتار پیامبر(ص) در مورد پارس سگ‌های حوآب بر عایشه اشاره می‌کنند و در راستای اقناع مخاطبین از آیات قرآن استمداد می‌جویند.

جدول ۵: بیان رفتار ناپسند و نقاط ضعف مخالفان

مضمون	شاهد	نام سند	فراوانی
بی‌توجهی به رضایت خدا توسط ناکثین و عدم رضایت خدا از آن‌ها	يعتذرون إلى الناسِ دونَ الله، يحلفون لكم لترضوا عنهم فإنَّ الله لا يرضى عن القومِ الفاسقين	نامه ۲۵ نهج السعاده به مردم کوفه	۱
عامل بدبختی ناکثین اعمال آن‌هاست	إنَّ الله لا يُعَيِّرُ ما بقومٍ حتَّى يُعَيِّرُوا ما بأنفسِهِم، وإذا أرادَ اللهُ بقومٍ سوءً فلا مردَّ له وما لهم من دونه من والٍ	نامه ۳۱ نهج السعاده به مردم مدینه	۱
رفتار نادرست طلحه و زبیر با کارگزار حضرت	وقدم طلحة والزبير البصرة وصنعا بعاملي عثمان بن حنيفٍ ما صنعا		۱
خطای خلیفه دوم در تشکیل شورای شش نفره	فجعلني سادسَ ستةٍ وأمرَ صهيباً أن يُصلَى بالناسِ، ودعأبا طلحةً فقال له فاقْتُلْ من أبي أن يرضى من هؤلاء الستة.	نامه ۱۵۶ نهج السعاده به مسلمانان	۱
قطع رابطه سببی حضرت با پیامبر(ص)	وأيمن الله لو استطاعوا أن يدفئوا قرابتي كما قطعوا سببي فعلموا ولكنهم لن يجدوا إلى ذلك سبيلاً		۱
مخالفت رأی ابوموسی و عمرو عاص با قرآن	فاختلف رأيهما واختلف حكمهما فبئدما في الكتابِ وخالفامافي القرآن	نامه ۱۵۶ نهج السعاده به مسلمانان	۱
بیان رفتار خسونت‌آمیز مخالفان با مردم: اجبار	إذا عاثوا في الارض يفسدون ويقتلون، وكان فيمن قتلوه أهل ميرة من بني أسدٍ و..		۸

		<p>ولقوا عبد الله بن خباب. صاحب رسول الله (ص) فقتلوه..</p> <p>فقتلوا الرجال والنساء والاطفال حتى جعلوا يلقون الصبيان في قدور الاقط</p> <p>فدعوا الناس إلى معصيتي وإلى نقض بيعتي وطاعتي، فمن أطاعهم أكفروهم ومن عصاهم قتلوه</p> <p>حكيم بن جبلة فقتلوه في سبعين رجلاً من عباد أهل البصرة</p> <p>فسيروهم من البصرة وأخذوا عاملي عثمان بن حنيف الانصاري غدرًا فمظلوا به كل المظلة، واتفوا كل شعرة في...</p> <p>وقتلوا شيعتي طائفة صبراً وطائفة غدرًا، وطائفة عضوا بأسيافهم</p>	<p>مردم به شکستن بیعت با حضرت، شکنجه، ترور و قتل آنها</p>
	<p>نامه ۳۶ نهج السعاده به مردم کوفه</p>	<p>وسفك دماء المسلمين لا بينة ولا معذرة ولا حجة لها</p>	
۴		<p>فانتبهوا إنما تقاتلون الطلقاء وأبناء الطلقاء، وأهل الجفاء ومن أسلم كرهاً</p> <p>وكان لرسول الله أنفاً وللإسلام كله حرباً، أعداء السنة والقرآن، وأهل البدع والاحداث، ومن كانت نكايته تنقي، وكان على الاسلام وأهله مخوفاً وآكلة الرشا، وعبيد الدنيا</p>	<p>معاويه از طلقا می باشد، اهل ظلم و بدعت، دشمن اسلام و قرآن و رباخوار است.</p>
۱	<p>نامه ۱۵۶ نهج السعاده به مسلمانان</p>	<p>فصفرت يد هذا البائع دينه بالدنيا، وخزيت أمانته هذا المشتري بنصرة فاسق غادر بأموال المسلمين...، وقد شرب الخمر</p>	<p>معاويه و عمروعاص اهل شراب خواری و فسق و فساد در دين هستند.</p>
۲		<p>ومن تركت لكم ذكراً مساوية أكثر وأبوز وأنتم تعرفونهم بأعيانهم وأسماءهم كانوا على الاسلام ضدًا، ولبي الله صلى الله عليه وآله حرباً، وللشيطان حرباً، لم يقدم إيمانهم ولم يحدث نفاقهم</p>	<p>عيوب بی شمار آنها : با اسلام مخالف و در جنگ با رسول خدا(ص) بودند.</p>

بیشترین فراوانی در این قسمت در مضمون بیان رفتار خشن و ناپسند ناکتین با مردم مشاهده می شود. به نظر می رسد بهترین راهکار در راستای اقناع مردم در خصوص گمراهی سران ناکتین بیان رفتار خشونت آمیز آنان با مردم بوده است. باور به گمراهی اصحاب جمل به خصوص سران آن که از یاران و نزدیکان پیامبر(ص) بودند برای مردم سخت بود؛ لذا حضرت بیشترین مضمون را در افشاگری بر علیه آنان به کار برده و در این مضامین بر رفتار خشونت آمیز آنان با مردم بیشتر تأکید نموده اند، تا شاید با این کار بتوانند به تحریک احساسات مردم پرداخته و به اقناع آنان در خصوص گمراهی و جهل سران فتنه پردازند. اغلب

این مضامین در قالب جملات کوتاه و منقطع بیان شده است، از نظر دستوری و نحوی جمله‌های حضرت اغلب هم‌پایه بوده و در انشایی و خبری بودن با یکدیگر اتحاد و هم‌خوانی دارند؛ از این رو جملات، معمولاً به یکدیگر عطف شده و زنجیره‌ای از جملات منقطع و هم‌پایه را به وجود آورده‌اند. که این امر با توجه به شرایط آن زمان موجب پویایی و هیجان‌انگیزی در بیان اندیشه‌های امام شده است که همراهی و برانگیختن مخاطبین را در پی داشته‌است. استفاده از صنعت تکرار نیز در مضامینی چون «وَقْتَلُوا شَيْعِي طَائِفَةً صَبْرًا وَطَائِفَةً غَدْرًا، وَطَائِفَةً عَصَاؤًا بِأَسْيَافِهِمْ» و «وَسَفَكَ دَمَاءَ الْمُسْلِمِينَ لَا بَيْنَةَ وَلَا مَعْدِرَةَ وَلَا حُجَّةَ لَهَا» در راستای تهییج احساسات مردم بوده است.

سخنان حضرت در این قسمت با انواع ظرافت‌های زبانی آمیخته است برای نمونه مضمون «وَأَيُّمُ اللَّهِ لَوْ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَدْفَعُوا قَرَابِي كَمَا قَطَعُوا سَبِيي فَعَلُوا وَلَكِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا إِلَى ذَلِكَ سَبِيلًا؛ بِهِ خُذَا سَوَّغًا إِنْ مَيَّ تَوَاسْتَدُوا خَوِشَاوَنَدِي وَنَزْدِيكِي مِنْ بَا يَمَامِير (ص) رَا رَدِي مَي كَرَدَنَد، هَمَان طُور كِه رَابِطَه سَبِيي مِنْ بَا اُو رَا قَطَع كَرَدَنَد» حضرت در این مضمون از قسم به‌عنوان قید تأکیدی بهره برده‌اند، همچنین تعبیر به فعل مضارع همراه با حرف نفی «لَنْ» در عبارت «لَنْ يَجِدُوا إِلَى ذَلِكَ سَبِيلًا» دلیل بر قطعی بودن ناتوانی مخالفان در نفی قرابت حضرت با پیامبر (ص) و استمرار ناتوانی آن‌ها است. ایشان در تعبیری که در معرفی معاویه به‌کار برده‌اند از افعال تفضیل برای مبالغه مضمون بهره برده‌اند و این چنین فرموده‌اند: «وَمَنْ تَرَكْتُ لَكُمْ ذِكْرَ مَسَاوِيَةِ أَكْثَرِ وَأَبْوُرُ وَ أَنْتُمْ تَعْرِفُونَهُمْ بِأَعْيَانِهِمْ وَأَسْمَاءِهِمْ كَانُوا عَلَى الْإِسْلَامِ ضِدًّا، وَلِنَبِيِّ اللَّهِ حَرْبًا، وَلِلشَّيْطَانِ حَرْبًا، لَمْ يَقْدَمْ إِيْمَانُهُمْ وَ لَمْ يَحْدُثْ نِفَاقُهُمْ» این تعبیر امام (ع) اشاره لطیفی است به موضوعی که در قرآن مجید به آن اشاره شده است: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (مجادله/۲۲). علاوه بر این حضرت در این مضمون با استفاده از صنعت طباق در کلمات «لم يقدم» و «لم يحدث» و همچنین شبه‌طباق در کلمات «ایمان» و «نفاق» و بهره‌گیری از سجع در کلمات «حربا» و «حزبا» و ... به زیبایی مضمون افزوده‌اند.

در بررسی کاربرد عبارات امام در این دو بخش، نکته قابل توجه در نظر گرفتن دو بُعد منطقی و احساس توسط امام در بیان مضامین افشاگرانه است. همان‌طور که ملاحظه شد حضرت در بیان فریب‌های راهبردی دشمن با بیان استدلال‌ها و بدیهیات موردپذیرش مردم، همچون واگذاری انتقام خون عثمان به اولیای آن یعنی فرزندان عثمان و بیان قبح شکستن بیعتی که از روی اجبار نبوده است، بُعد منطقی را بیشتر در نظر گرفته‌اند؛ درحالی‌که ایشان در بیان رفتارهای ناپسند مخالفان بیشتر بُعد احساس را در نظر گرفته و با بیان رفتار خشونت‌آمیز ناکثین با مردم به تحریک احساسات آنان پرداخته‌اند.

۲-۳-۳. زیرمقوله تبیین سبک زندگی پرهیزگاران

زیرمقوله تبیین سبک زندگی پرهیزگاران با اختصاص ۱۱ مضمون به خود ۱۲،۲۲ درصد از فراوانی مضمون مقوله آگاهی‌بخشی را به خود اختصاص داده است.

جدول ۶: تبیین سبک زندگی پرهیزگاران

مضمون	شاهد	نام سند	فراوانی
مشارکت متقین با اهل دنیا و در عین حال تلاش آن‌ها برای آخرت	أَنَّ الْمُتَّقِينَ حَازُوا عَاجِلَ الْخَيْرِ وَأَجَلَهُ، شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ وَلَمْ يُشَارِكْهُمْ أَهْلَ الدُّنْيَا فِي آخِرَتِهِمْ أَبَاحَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا مَا كَفَاهُمْ بِهِ وَأَغْنَاهُمْ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادَةِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ، قَلَّ هِيَ لِلدِّينِ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ(الأعراف/۳۲). شَارَكُوا أَهْلَ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ فَأَكَلُوا مَعَهُمْ مِنْ طَيِّبَاتٍ مَا يَأْكُلُونَ، وَشَرَبُوا مِنْ طَيِّبَاتٍ مَا يَشْرَبُونَ، وَلَبَسُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَلْبَسُونَ، وَسَكَنُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَسْكُنُونَ،	نامه ۵۱ نهج السعادة به مصریان و محمد بن ابوبکر	۷
بهره‌وری متقین از بهترین نعمت‌های دنیا	سَكَنُوا الدُّنْيَا بِأَفْضَلِ مَا سَكَنَتْ، وَأَكَلُوا بِأَفْضَلِ مَا أَكَلَتْ وَتَرَوُجُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَتَرَوُجُونَ، وَرَكِبُوا مِنْ أَفْضَلِ مَا يَرَكِبُونَ، أَصَابُوا لَذَّةَ الدُّنْيَا مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَهُمْ غَدًا جِيرَانُ اللَّهِ تَعَالَى		۴

مضامین این بخش با اطناب بیشتری بیان شده است که حاکی از حرص حضرت بر وضوح هرچه بیشتر مضامین است. حضرت در بیان مضامین این بخش ضمن استفاده از آیه قرآن از اسلوب بیانی قرآن پیروی کرده‌اند و برای مبالغه و تأکید مضامین از افعال تفضیل و تکرار بهره برده‌اند. بحرانی این بیان حضرت را این‌گونه تفسیر نموده‌اند: «لذت پرهیزگاران از آنچه به کار می‌برند اکمل و اتم است؛ چراکه هر آن‌چه از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و... به کار می‌برند، تنها در زمان نیاز و ضرورت است و همان‌طور که می‌دانید نیاز به شیء هر اندازه شدیدتر و قوی‌تر گردد لذت دستیابی به آن بیشتر می‌گردد» (بحرانی، ۱۳۶۲: ۴/۴۲۳). حضرت در این قسمت از نامه‌های خود سعی بر تصحیح نگرش مردم نسبت به سبک زندگی و مفهوم زهد دارند. در دیدگاه و مبانی نظری آن حضرت زهد استفاده نکردن از مواهب و نعمت‌های الهی نیست، بلکه باید از نعمت‌ها به نحو صحیح و در جهت اهداف والای انسانی استفاده نمود.

نتیجه‌گیری

۱. بررسی نامه‌های امام علی(ع) به مردم، با روش تحلیل محتوای کیفی و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA این نتیجه را به دست می‌دهد که با توجه به بسامد بالای مضامین در مقوله آگاهی‌بخشی در مقایسه با دیگر مقوله‌های مطرح در نامه‌های امام به مردم، حضرت در میان روش‌های تربیتی برای تحقق عدالت اجتماعی بالاترین میزان توجه را به روش آگاهی‌بخشی داشته‌اند.
۲. با بررسی زیرمقوله‌های مقوله آگاهی‌بخشی می‌توان به این نتیجه دست یافت که حضرت در آگاهی‌بخشی به مردم بیشترین میزان توجه را به اعتلای بینش سیاسی آنان داشته‌اند. زیرمقوله روشنگری در خصوص ولایت با اختصاص بالاترین فراوانی مضمون اولین جایگاه را از میان زیرمقوله‌ها به خود اختصاص داده است و مضامین آن به سه بخش کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: (۱) بیان ویژگی‌ها و شرایط اولی الامر حقیقی؛ تأمل در این بافت از کلام حضرت گویای این حقیقت است که استفاده ایشان از اسلوب قسم و اداتی مانند

«إنّ، لام تأکید، قد تحقیق» که در زبان عربی جهت تقویت کلام به کار می‌رود، موجب شده تا سبک کلام به مبالغه گرایش یابد که این امر بیانگر موضع‌گیری شدید حضرت در برابر انحراف مردم از مسیر صحیح ولایت است؛ (۲) بیان موانع تحقق ولایت حضرت (اولی الامر حقیقی) در زمان اصلی خود و پیامدهای حاصل از آن: از کاربرد برخی کلمات در این بافت می‌توان به این نکته دست یافت که تنها اشخاص کمی که رابطه بسیار نزدیکی با حضرت داشتند به یاری او برخاستند که این موضوع گواه وجود انحراف عقیدتی مردم در خصوص ولایت پس از رحلت پیامبر (ص) است؛ (۳) بیان موارد تحکیم‌بخش ولایت و حکومت: در بررسی چگونگی کاربرد عبارات امام در این قسمت نکته قابل توجه این است که علاوه بر فراوانی بالای مضمون در استناد به منبع مردمی مشروعیت حکومت، اطناب بسیار نیز در آن مشاهده می‌شود؛ این در حالیست که حضرت در این قسمت از هر ابزاری برای وضوح هرچه بیشتر مضامین خود استفاده نکرده‌اند. در خصوص چرایی این نوع کاربرد حضرت می‌توان گفت دوام و بقا هر حکومت بستگی به اراده، همراهی و حمایت مردم دارد بنابراین حاکم جامعه اسلامی نمی‌تواند از نقش حضور مردم در اداره جامعه غفلت ورزد. لازمه این حضور و تداوم آن توسعه دانش و بینش سیاسی برای گروه‌های مختلف مردم و بازشناسی منابع مردمی مشروعیت حکومت است. زیرمقوله افشاگری سیاسی در خصوص مخالفان و دشمنان دومین جایگاه را از حیث فراوانی مضمون در مقوله آگاهی‌بخشی در نامه‌های امام به مردم به خود اختصاص داده است. حضرت در قسمتی از مضامین این بخش به بیان فریب‌های راهبردی مخالفان می‌پردازند که عبارتند از: (۱) طرح شعارهای عامه‌پسند؛ (۲) استفاده ابزاری از چهره‌های شناخته‌شده؛ (۳) استفاده ابزاری از مقدسات. حضرت علاوه بر ملامت‌سازی فریب‌های راهبردی دشمن به نقاط ضعف و رفتارهای ناپسند آنان نیز اشاره داشته‌اند. در بررسی کاربرد عبارات امام در دو بخش این زیرمقوله، نکته قابل توجه در نظر گرفتن دو بُعد منطقی و احساس توسط امام در بیان مضامین افشاگرانه است. حضرت در بیان فریب‌های راهبردی دشمن با بیان استدلال‌ها و بدیهیات مورد پذیرش مردم همچون ضرورت واگذاری انتقام خون عثمان به اولیای آن، یعنی فرزندان او و قبیح بودن شکستن بیعتی که از روی اجبار نبوده است، بیشتر بُعد منطقی را در نظر گرفته‌اند؛ در حالی که ایشان در بیان رفتارهای ناپسند مخالفان بیشتر بُعد احساس را در نظر گرفته و با بیان رفتار خشونت‌آمیز ناکشین با مردم به تحریک احساسات مردم پرداخته‌اند. باور به گمراهی اصحاب جمل به خصوص سران آن که از یاران و نزدیکان پیامبر (ص) بودند برای مردم سخت بود؛ لذا حضرت بیشترین مضمون را در افشاگری بر علیه آنان به کار برده و در این مضامین بر رفتار خشونت‌آمیز آنان با مردم بیشتر تأکید نموده‌اند تا شاید با این کار بتوانند به تحریک احساسات مردم پرداخته و به اقناع آنان در خصوص گمراهی و جهل سران فتنه بپردازند. و اما زیر مقوله تبیین سبک زندگی پرهیزگاران که حضرت در این قسمت از نامه‌های خود سعی بر تصحیح نگرش مردم نسبت به سبک زندگی و مفهوم زهد دارند. در بیان مضامین این بخش ضمن استفاده از آیه قرآن از اسلوب بیانی قرآن پیروی کرده‌اند و برای تأکید مضامین از تکرار و برای مبالغه از افعال تفضیل بهره برده‌اند.

منابع

- ابرهیم‌زاده، نبی‌الله. (۱۳۸۱). «جایگاه و نقش سازنده ولایت». **مجله حکومت اسلامی**، شماره ۲۴، ۲۱۰-۲۳۲.
- ابرهیم‌زاده آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). «ولایت‌مداری و بصیرت دینی». **مجله حصون**، شماره ۲۲، ۱۶-۳۵.
- ابوالمعالی الحسینی، خدیجه. (۱۳۹۲). «تحلیل کیفی متن: استقراء قیاس». **مجله علوم تربیتی از دیدگاه اسلام**، شماره ۱، ۸۵-۱۰۴.
- اشتراوش، آنسلم و کوربین، جولیت. (۱۳۹۰). **مبانی پژوهش کیفی، متون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**. مترجم: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- بحرانی، میثم بن علی بن میثم. (۱۴۲۷ق). **شرح نهج البلاغه**. قم: انوارالهدی.
- بشری منال، خالد. (۲۰۱۶). «حرف‌الراء». <http://www.bayanelislam.net>. آخرین بازنگری ۱۰/۱۰/۱۳۹۶.
- تبریزی، منصوره. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی». **فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)**، شماره ۶۴، ۱۰۵-۱۳۸.
- تیممی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). **تصنیف غررالحکم و دررالکلم**. قم: دفتر تبلیغات.
- تورن، کریسین. (۱۳۷۳). **به سوی علم آگاهی**. مترجم: الهه رضوی. تهران: ناشر مترجم.
- حاتمی، محمدرضا. (۱۳۸۴). «بررسی و نقد مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه اهل سنت». **دانش سیاسی**، شماره ۱، ۶۷-۱۰۱.
- محمودی، محمدباقر. (۱۳۷۶). **نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۸). **پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، شرحی تازه و جامع بر نهج البلاغه**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶). **پنجاه درس اصول عقائد برای جوانان**. چاپ هجدهم. قم: انتشارات نسل جوان.
- منصورنژاد، محمد. (۱۳۹۰). «رسانه و آگاهی‌بخشی با الهام از نهج البلاغه». **مجله بازتاب اندیشه**، شماره ۱۱۷، ۱۰۳-۱۴۰.
- مهرداد، ندا؛ حق دوست‌اسکویی، سیده فاطمه و سیدفاطمی، نعیمه. (۱۳۹۵). **تحلیل محتوای کیفی**. چاپ دوم. تهران: بشری مرکز نشر علوم پزشکی.
- نریمانی، زینب. (۱۳۹۷). **تحلیل محتوای کیفی نامه‌های حکومتی امام علی (ع)**. راهنما: علی‌باقر طاهری‌نیا. دانشگاه تهران.
- ولائی، عیسی. (۱۳۷۷). **مبانی سیاست در اسلام**. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یوسف‌زاده وفایی، اصغر و رهنمایی، سید احمد. (۱۳۹۴). «روش‌های تربیتی اسلام در تحقق عدالت اجتماعی». **مجله معرفت**، شماره ۲۵، ۷۷-۹۲.
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005). "Three approaches to qualitative content analysis". **Qualitative health research**, 15(9), 1277-1288.